

"تون تابها" و هیزم های زیر دیگ و تنور انتخابات!!

انتخابات دوره هشتم مجلس باصطلاح "شورای اسلامی" در ایران به روزهای برگزاری این نمایش صوری و مسخره نزدیک می شود. همه آنها که در پوشش حزب و گروه و سازمان و یا بصورت منفرد و یا در پوشش نهاد های مختلفی که در جامعه ایران چه قبل و چه بعد از انقلاب در ایران نهادینه شده بودند و نهادینه شده اند و این روزها هم به تاسیس آنها برای این مقطع زمانی از جانب وابستگان رژیم و بعضاً اصحاب صنفه (اصحاب صنفه فقیران و پا برهنگان مهاجری بودند که در کنار مسجد در عصر پیامبر روی سکویی که با خاکستر مفروش شده بود، زندگی می کردند و لذا به آنها اصحاب صنفه می گفتند) بوجود آمده اند، اعم از "ملی" و یا "مذهبی" و جمع این دو واژه بنام "ملی مذهبی" و چه چپ و چه راست، با پسوند و پیشوند اصول گرا و مشارکتی و مجاهدین انقلاب اسلامی تا ... متاسفانه نهضت آزادی ایران و نیز آن عده از این جمع که بنا به مثل معروف، هم از توبره می خورند و هم از آخور، و دستیاران و هم نظر ها از این نوع و انواع دیگر، در خارج از کشور، فعالیت های خود را مدتی است که آغاز کرده و هرچه به روز موعود نزدیک می شود، دوندگی آنها نیز افزایش یافته است و از این راه برای خود شغل "تون تابی" را برگزیده، از طرفداران و اعضا و وابستگان به حزب و گروه و سازمان خود به عنوان هیزم برای گرم کردن دیگ حمام انتخابات مجلس هشتم و اصولاً همه انتخاباتی که توسط نظام ولایت فقیه برای مردم تحت عنوان "تکلیف شرعی" هر از چند ماهی راه می اندازند، استفاده می کنند. البته هر گروه و حزب و سازمانی با واژگان و ادبیات مخصوص به خود. وظیفه اینها چونان "تون تابی" که موظف است بعنوان شغلی که برای خود برگزیده، همه وقت با ریختن هیزم در گذشته، و بعدها نفت و گاز و الکتروسیته، دیگ و دستگاه آپگرم کن حمام نظام حاکم را آنگونه گرم کنند و گرم نگاه دارند و با شستن و خشک کردن لنگهای مصرف شده، دوباره مورد استفاده حاکمانی که به حمام میروند قرار دهند. در این میان این "تون تابها" و "دلالان" با بقیچه و بی بقیچه نظام با عشوهر گری برای آنکه بتوانند ته سفره ای از سفره قدرت نظام پلید ولایت مطلقه را بدست آورند، به تبلیغ مردم برای شرکت کردن در انتخابات، به برپایی جلسات و سخنرانی در داخل و عده ای هم به پاداش اجازه خروج از کشور، برای تبلیغ و توجیه چرایی شرکت در انتخابات، در خارج کشور، با شرکت در مجالس و محافل ایرانی که برایشان تشکیل داده می شود، به هیزم کشی و گرم نگهداشتن تنور انتخابات مشغولند و بخشی هم از طریق رسانه های ایرانی در خارج از کشور به دفاع از استفاده از حق انتخاب و انتخابات به عنوان یک حق شهروندی و اصول دموکراسی به مصاحبه با این رسانه ها مشغول هستند و البته با مغلظه کاری و گرد و خاک کردن فضا در ذهن مریدان خود، هرگز توضیح نمی دهند که آیا این حق یک وسیله برای رسیدن به دموکراسی است و یا فقط هدف و غایت دموکراسی است؟

و اگر غایت دموکراسی و حق گرفتن سرنوشت خود با حضور نمایندگان در یک مجلس شورایی با هر پسوند و پیشوند دیگری بر آن مشارکت در سرنوشت خودشان است، پس چرا در همین کشور با این نظام حاکم که به قول شماها و خودشان بطور متوسط اقلاً هر یک و یا دوسالی یک انتخابات برگزار شده و مردم در پای صندوقهای رای نمایندگانشان را انتخاب کرده اند و به مجلس و ارگانهای دیگر ساخته نظام فرستاده اند، این نمایندگان بر خلاف مسیر و خواسته ها و بر ضد دموکراسی، این ملت را از حقوق انسانی و شهر وندی اش ساقط کرده و نکبت و فقر و عدم امنیت سیاسی و اجتماعی را برای آنها رقم زده اند و در نهایت از آنها بصورت هیزم برای سوزاندن استفاده می کنند؟ مگر در تعدادی از این کشورهای با رژیم سلطنتی و یا جمهوری که هر کدام به مثابه یک ولی فقیه مطلقه بر مردم با استبداد حکومت می رانند انتخابات برگزار نمی شود؟ که البته می شود و حتی میگویند و اعلام می کنند که بیش از ۹۹ درصد مردم هم در انتخابات شرکت نموده و جناب دیکتاتور را برای چند سال و یا تا آخر عمر با سلام صلوات و شادی و پایکوبی و پخش نقل و نبات انتخاب کرده اند تا او به میمنت و مبارکی همچنان حقوق انسانی آنها را لگد مال نماید!! . در این میان البته همکاران نظری و فکری سابق رژیم هم در پوشش چپ و اسلامی و غیر اسلامی از آنجا که به یک باره پی برده اند که انقلاب عجب ذقنبوتی بود که ۲۹ سال پیش نوش جان کرده اند و یا اصلاً چرا از روی نادانی و حماقت به مبارزه مسلحانه و بی مسلحانه علیه رژیم مغلوك و وابسته پهلوی دست یازیده اند، اکنون به روش اصلاحات و تغییرات گام به گام و مبارزه مدنی بصورتی مبتدل روی آورده، تبلیغ شرکت مردم در انتخابات در رژیم را می نمایند که در آن، مردم ایران حق انتخاب آزاد نمایندگان خود، جز آنچه رژیم کودتا، چند جنایت کار و خان به ملک و ملت را در شکل و شمایل عبا و قبا و عمامه و یقه ولایتی از قماش و جنس خودش معین کرده ندارند و مردم باید به این گل خرزهره ها و خارخاسکها رای بدهند. و برای اینکه خاک در چشم مردم ایران بپاشند و آنها را در ادامه انفعال نگهدارند، دسته ای از آنها، دوغ و دوشاب را با هم مخلوط کرده و اگر خود را مخالف بازماندگان نکبت بار پهلوی و پهلوی طلب و فرقه نوکر صفت و خیانت پیشه و در یوزه رژیم جنایت کار صدام در گذشته و اکنون، نوکر حلقه بگوش حکومت بوش و اسراییل میدانند و خود را طرفدار رژیم جمهوری قلمداد میکنند می گویند: "بله چون گروه پهلوی طلبها و فرقه وامانده رجوی، انتخابات را تحریم می کنند، بنابراین نباید انتخابات را تحریم کرد!!" و انهایی را که به حق و با استدلال موافق تحریم هستند را در کنار همان دو دسته و دسته هایی قرار می دهند که به هنگام تهدید بوش و حکومتش به حمله نظامی به ایران، به نام جمهوری خواه و سلطنت طلب از دسته و افراد منفرد مزدور و خانن، به عنوان "الترناتیو" نظام ولایت فقیه مرتب همایش و کنفرانس مطبوعاتی تشکیل میدادند هنوز نیز منتظر اشاره و اوامر اربابان خود هستند تا به سر بیاورند!! ولی در خود این بزرگی و کرامت نفس را ندارند که برای مردم بگویند آن دسته از سازمانها و شخصیتهایی که وابسته به دو گروه کذابی و امثالهم نیستند و همه عمر با اعتقاد به دو اصل اساسی آزادی و استقلال در ایران و خارج از ایران زندگی می کنند و به مبارزه برای استقرار این اصول ادامه می دهند، چه دلایلی برای تحریم همگانی و قاطع انتخابات قلابی در این رژیم ارانه می دهند؟ . در عوض دانم به سانسور و یا جعل نظرات این گروه و شخصیتها مشغولند.

لازم است این گروهها و اشخاصی که خود را معتقد به ولایت مطلقه فقیه نمی دانند ولی خود را ملتزم به نظام و قانون اساسی رژیمی می دانند که در طول این ۲۹ سال که از انقلاب ۱۳۵۷ می گذرد، هرچه حقوق مدنی و اجتماعی ملت، حتی در قانون اساسی تحریف شده مجلس خبرگان که به عقیده نویسندگان این سطور، اولین کودتا بر ضد ملت ایران بود را یکی بعد از دیگری نقض و لغو کرده اند تا آنجا که امروز برای مردم فقط نقش هیزم را قائل هستند تا آنها را زیر دیگ و تنور انتخابات

قلابی و انتخابات دیگری از این قبیل بسوزانند، بگویند که چه گلی به سر این ملت بعد از اینهمه سالها زده اند که همه وقت در توجیه لزوم شرکت در نمایش انتخابات این رژیم مفلوک و جنایت کار، به شغل دلالی مشغولند تا از این راه بشما حق حسابی بصورت خشکه و یا خدماتی بپردازند؟ معلوم می شود که شما هم در حقیقت مردم را هیزم و یا وسیله گرم کننده دیگری می دانید که باید در زیر دیگ آب گرم کن حمام و یا تنور نانوايي رژیم روضه خوانها بسوزند، تا در گرمای حاصل از آن، آمران و عاملان قتلها و جنایتها، در حمام گرم و بخار کرده انتخابات، از خود ازاله کثافات حاصل از نا مردمی هایشان کنند و بعد از شستشو، از شما دلالاتی به عنوان لنگی به بستن بدن عریان جنایتهای خود در برابر افکار عمومی مردم دنیا استفاده نمایند و از تنور داغ شده انتخابات توسط هیزم گذاری شماها برای خود نانی بپزند برای ادامه جنایت و از بین بردن هستی و حیات این ملت.

آخر شما که دیدید در همان مجلس اول هم بعد از کودتا، وقتی به بهانه این که شما از طرف ملت نمایندگی دارید تا پایان دوره نمایندگی تان در مجلس از حقوق آنها دفاع کنید، و رژیم هم تازه به درندگی و جنایات خود شتاب بخشیده بود و قبضه کردن همه اهرمهای قدرت را در دست نداشت، نه تنها از حقوق ملت که سهل است از حقوق انسانی و اجتماعی خود نیز نتوانستید دفاع کنید و آن ها در هر فرصتی به سر شما کوفتند و با وقاحت هم منکر جمعیت و گروه شما تا به امروز به عنوان یک گروه ملی و اسلامی شدند و رهبرشان نیز با سالوس بازی و ننه من غریبم بازی قسم خورد که از اول با سپردن مسولیتها بدست شما مخالف بود و البته نگفت که آن موقع می دانست که آن روضه خوانها، الف را هم از دسته بیل تشخیص نمی دهند و بقول همان روضه خوانها، از امور و اصول حکومتی و دولتی هیچی سرشان نمی شد و از طریق کمک شما و معاونت و خط دهی توده ای ها و چپهای وابسته رنگ و وارنگ، نتوانستند از شما به عنوان چوب زیر بغل مرده خودشان استفاده کنند و با ادامه جنگ ۸ ساله در خدمت بیگانگان، استبداد خشن و منحوس خود را قوام بخشند تا به امروز که از آن ملت هم که مدعی اند مردم، ولی نعمتشان هستند، بعنوان هیزم استفاده کنند.

جا دارد که به نسل جوان که بالاخره روزی حقایق را چه شما و چه رژیم متقلب و کذاب کنونی بخواهید یا نخواهید، درک خواهد کرد، البته اگر خود را از خواب خرگوشی بیدار کند که خواهد کرد، بگویند چرا آن زمان که طشت رسوایی و جنایت این رژیم با محکوم شدن در دادگاه میکونوس برلین از بام افتاده بود و عنقریب بود که نسل جوان ایران خود را از یوغ ستمکاری و جنایات این رژیم برهد، با آن رژیم منفور هم صدا و هم آواز شدید و در محکوم کردن ایرانیانی که با گفتن و شهادت حقایق در دادگاه در پی برچیدن این روضه خوانها و همکارانشان، همراه با علم و کتل شان بودند. با خاک پاشیدن در چشم نسلی که می خواست از یک زندگی پویا و سازنده برخوردار، در آزادی و استقلال رشد همراه با عدالت اجتماعی زیست کند، با کمکهای مالی و تبلیغاتی غرب که منافع خود را در چپاول و غارت منابع و ثروتهای طبیعی و نیروهای انسانی ایران میداند، روضه خوانی راه، به نام خاتمی، با نقاب آزادی و استقلال خواهی و لبخندی ملیح بر چهره، بر کرده این ملت سوار گردید که خود اعتراف کرد که در این رژیم جز «تدارکاتچی» حقیری در خدمت ولایت مطلقه بیش نبوده و نیست.

ماهها بهنگام انتخابات ریاست جمهوری کودتا، در گفتگوهای خود به تکاپو افتادید و با جانیان سابق و همانها که سالهای در قدرت بودندشان، همراه با اصولگرا و کار گزار و خط امامی و بی امامی، شما و مابقی ملت را از حقوق سیاسی و اجتماعی محروم کردند تا فرزند خلف این رژیم و کفش جفت کن و آبدارباشی آستان ولایت مطلقه فقیه را از صندوقهای انتخابات کدایی بیرون آورند. تا رئیس جمهوری بناحق ملتی بزرگ و با تاریخ گردد که هنوز الفبای سخن گفتن را هم نمی داند و همه هوش و حواس کاسبکارانه و بازاریش، زمینه سازی برای ظهور ولی عصر است!! و فقط بدر همان نوحه خوانی و سینه زنی در جمع حزب مداح ها و روضه خوان های هینتی می خورد که آنها را در کسوت دانشجو جا زده اند، بنشینند و برای آنها دروغهایی بهم ببافد که در سفرهایش در داخل و خارج چه شق القمرهایی فرموده است!!

و امروز دوباره با آنها که با زدن نقاب اصلاحگرا و مشارکتی و اعتماد ملی و ... در پوشش اسامی بی مسمای دیگر نرد عشق می بازیید که شاید از کلاه قدرت تکه نمدی هم نصیب شما گردد و حداقل به شما اجازه دهند که بتوانید دوباره با آزاد شدن دفتر و دستک تان، رسماً به فعالیت جمعیتی خود بپردازید. و یا آن دیگری که همه هم و غمش این است که حسینیه اش را گرفته و بسته اند و کسی نمی پرسد شما ها که بقول خودتان تا وقوع انقلاب در فقر و بی مالی بسر میبردید و شکم خود و خانواده تان را با نان و ماست و کشک سیر میکردید، چگونه بلافاصله بعد از انقلاب حسینیه دار و خانه دار و ملک دار و ... شدید؟ و چون لاحقان که برخی از آنها هم در نزد شما افتخار طلبگی داشته و در محضر شما تلمذ کرده اند، از روی عناد و به خاطر عدم همکاری شما با آنها، ناحق شما را گرفته و تصاحب کرده اند، اسلام عزیز به خطر افتاده و اگر دوباره اموالتان را برگردانند نظام یک نظام بر حق و مردمی خواهد گشت؟ ولذا همه اش تحت سنفونی خواب آلود و کمدمی مسخره استفاده از حقوق مدنی و دوری از خشونت و انقلابی گری،

مردم را به گدایی برای اینکه مافیاهای مالی و سیاسی شرایط و امکان سهیم شدن شما از نمد قدرت را از طریق نوعی انتخاباتی صورتی بدهد به ادامه تحقیر فرا می خوانید!!

بس کنید و تن به تحقیر بیشتر خود و ملت در برابر این رژیم ندهید. با اینکار آن سرمایه های معنوی را هم که در دوران مبارزه با استبداد شاه کسب کرده و مورد اعتماد و احترام ملت قرار گرفته بودید بیش از این به حراج و به تاراج این جانیان مسپارید. خانمها و آقایان! آقایان بزرگان یکی از پیروان مصدق بزرگ که شما خود را از پیروان آنها می دانید، خفت و حقارت را نپذیرفت و اشتباهات عمد و غیر عمد خود را هم در مماشات با استبداد نظام ولایت فقیه و جنایت کار، به گردن گرفت و خود قبل از اینکه دیگران به نقد او بپردازند، به نقد اشتباهات خود پرداخت و تا پایان عمر، اشتباهات خود را تکرار نکرد ولی شما به تکرار اشتباهات خود مشغولید. اعلامیه می دهید و شرط و شروط برای شرکت در انتخابات می گذارید و وقتی هم می بینید که رژیم واقعی به شرایط شما نمی گذارد، سهل است، که متهمتان می کند و با هوچیگری تهدیدتان می کند که در خدمت بیگانگان هستید و در ارتباط با دشمنان خارجی و بعد که به شما پخی میکند، ماستها را کیسه کرده و با تردستی و زبونی، توجیهاتی خود رضا کننده، رام رژیم می شوید و به شغل شریف "تون تابی" و هیزم گزاری (که هیزم مردم ایران هستند) زیر تنور انتخابات ولی فقیه فرموده، همچنان مشغول می شوید تا بازی و تناثر مشمنز کننده انتخابات به پایان برسد و رژیم نان خود را پخته و در مجامع و افکار عمومی مردم دنیا با بوق و کرنا بگویند انتخابات کاملاً آزاد و با حضور و فعالیت انتخاباتی مخالفین انجام یافته است!! و از بد روزگار، غرب هم برای ادامه غارت اموال و ثروتهای ملی و متعلق به ملت ایران، همین را می خواهد برای بستن صدای اعتراض ملت هایشان در اعتراض به جنایاتی که همه روزه در مورد همه اقشار ملت ایران از سوی رژیم ولایت مطلقه اعمال میگردد.

و بالاخره روی سخن من به همه آنهایی است که در داخل و خارج به دلالتی باحقوق و بی حقوق این رژیم مشغولند و بعضی نیز با استتار شدن و جا زدن خود به عنوان به اصطلاح "مخالف و اوپوزیسیون"، در خاک پاشیدن به چشم مردم ایران و بیان نظرات غیر شفاف در به عقب انداختن زمان رسیدن مردم ایران به آزادی و زیست در خور یک انسان آزاد و بالغ به دلالتی و تون تابی مشغولند و به توجیه ضرورت شرکت کردن مردم در انتخابات و مخالفت با یک تحریم عمومی، آب به آسیاب جنایات رژیم میریزند.

به شما می گویم که از این خدمتگزاری به رژیم نصیبی نخواهید داشت و رژیم از شماها نیز فقط در حد استفاده بعنوان هیزم کش و هیزم جمع کن و تون تاب برای گرم نگهداشتن تنور و دیگ حمام رژیمش و استفاده از شما به عنوان لنگ برای پوشش کثافات رژیمش برای ادامه جنایات بیشتر که خود شما نیز جزء قربانیان آن خواهید بود، بر شما منت خواهد گذاشت و از شما استفاده خواهد کرد و نه بیشتر! پس بایسته و در خور کرامت نفسانی و انسانی شماست که با آنها که باورمند واقعی به استقلال و آزادی و کرامت انسان هستند و شیرینی امتحان با ملت بودن و برای احقاق حقوق ملت مبارزه کردن را بجای نوشیدن جام زهر تلخ قدرت پرستی و زور گویی و جنایت پیشگی و بر ملت بودن پس داده اند، همراه و هم صدا شوید و با بیان شفاف و روشنگرانه و شکستن جو سنگین سانسور و گفتن حقیقت و نه قربانی کردن حقیقت در پای مصلحت، در بسیج همگانی مردم در تحریم این انتخابات فرمایشی و قلابی و همه انتخابات دیگر این رژیم مفلوک پرور و نوکر بیگانه ساز، و سفله پرور بکشید و یک صدا شوید! می بینید چگونه پرورش یافته ها و همکاران آن رژیم باز هم پس از به اصطلاح آگاه شدن و مخالفت کردن با یاران دیروز خود و بعد بازداشت و زندانی و شکنجه شدن توسط دوستان و همکاران سابقشان، وقتی هم افکار عمومی برای آزادیشان بسیج می شوند و رژیم مجبور به آزادی آنها میگردد، تا پای خود را به دنیای خارج از ایران می گذارند که مردمش از گونه ای آزادیهای سیاسی و اجتماعی نسبی برخوردارند، بلافاصله به خدمت حکومتهای آزادی سنیز و غارتگر در می آیند و استخدام می شوند در رسانه های سرمایه گزاری شده توسط حکومتهای سلطه گر امریکایی و اروپایی بر ضد ملت ایران و نه رژیم ایران، به عنوان تحلیل گر "سیاسی" و بد و بیراه وتوهین به خود و ملت در ناسزا گویی به انقلاب و یا با دریافت یک بورس به اصطلاح "تحقیقاتی" در دانشگاهی، برضد خود و ملت ایران داد سخن سرایی می دهند در نفی انقلاب و هر آنچه برایشان زمانی مقدس و راهساز بود!

و وقتی از آنها خواسته می شود که از گذشته و کارهای مشعشع خود در رژیم روضه خوانها بگویند و اکنون که در فضایی به نسبت آزاد هستند و از امنیت نسبی جانی برخوردار، حقایق را در مسلخ مصلحت ذبح نکنند، فریاد میزنند، کی بود کی بود من اصلا نبودم!! و قفلی میزنند به صندوقچه مغز خود در همه سالهای ماضی و قفلی بزرگتر به صندوقچه حافظه یکی دو سال اول فعالیتهای خود در بعد از انقلاب و خوش رقصی هایشان در سوق دادن جلدان رژیم به جنایت!! و بدین وسیله کمک می کنند به طولانی شدن عمر نظام مطلقه فقیه و به یغما بردن ثروتهای نسل فعلی و آینده ایران، توسط این روضه خوانها و نوحه خوانها و همکاران کت و شلواری و یقه ولایتی حقیر آنها.

روی سخنم با شما آحاد ملت ایران و گروهها و شخصیت هاست.

شما مردم ایران می بینید و همه روزه شاهدید که چگونه زندگی و گذران زندگی را بر شما سخت کرده اند و از شما در حد هیزم بودن و سوختن زیر تنور و دیگ حکومتشان استفاده می کنند و با قیم شمردن و صغیر و یتیم دانستن شما و سوء استفاده از ایمان و اعتقادات شما با بافتن راست و دروغ برای شما تکلیف شرعی می سازند و از شما می خواهند همچون صغیر و فقیر و سفیه، هر زمان که آنها "فتوای شرعی" برای شما صادر کردند، به حکم وظیفه و تکلیف شرعی باید به پای صندوقهای رای بروید تا آنها بدست خودتان قیمی نالایق تر از خودشان را به عنوان اصلح برای شما انتخاب و از صندوق به در آورند تا چند سالی دیگر رمق از رمق شما بکشند. با حضور ظاهری شما و با شامورتنی بازی و تقلب، یک کفش جفت کن ولایت مطلقه و نوحه خوانی را به عنوان رئیس جمهور بر شما گماردند تا با وعده آوردن نفت بر سر سفره شماها، آن خورده نان و پای مرغی را هم که برای قوت لایموت خود داشتید به غارت ببرند و به شکم همیشه گرسنه و سیری ناپذیر روضه خوانی مثل علی خامنه ای و اعوان وانصارش و شرکتهای غارتگر و رانت خواران داخلی و خارجی و مافیاهای نظامی و مالی بریزند. نمی دانم خدای نخواست به صورت شما مردم خاک مرگ پاشیده اند که همچون اشباه در حرکت هستند و لام از کام بر نمی آورید و به آنها هم که این حقارت را بر نمی تابند و لب به اعتراض می گشایند فقط بی تفاوت نگاه می کنید و می گذرید و می گوید به ما چه؟ جای تاسف نیست که دیگر کشورها که از شما و انقلاب شما الگو گرفتند و خود را از دست رژیمهای دیکتاتور و واپسگرا رهانیدند و با هوشیاری ریش و قیچی را بعد از موفقیت، بدست دولتمردان و نمایندگانشان ندادند تا هر جور که آنها اراده کردند از آنها هیزم بسازد. و برایشان فقط تکلیف شرعی صادر کنند تا در خدمت قدرت پرستان حکومتگر در آیند. باید لختی به خود آید و بیندیشید تا مگر خود را از این اختاپوس ننگ و خواری بیاساید و به چاره بر خیزید. فرزندان که چنین در دامان حقارت پذیر و مسخ شده شما و معتاد به ترس و سرکوب و حقارت بزرگ شوند، از شما مواخذه خواهند نمود که چرا زمینه ساز و رضا دهنده به پذیرش ننگ پیروی از جماعت روضه خوان و جنایتکاری شدید که در پوستین دروغین ولی فقیه و آیت الله و حجت الاسلامی، هم آبروی دینی را ببرند که می خواست شما از کرامت و بزرگواری در خور یک انسان برخوردار و در بینهایت کمال و بیکران آزادی روح، نشانه های خدا بر روی زمین باشید و با دیگر هموطنان خود از هر دین و مرام و مسلکی در سرزمین محل سکونتتان بدون تبعیض نژادی و مذهبی به عنوان انسانهای حقوقمند و دارای حق و مشارکت در رهبری جمعی جامعه، در کنار هم زندگی کنید.

و شما که کبابه "روشنفکری" و "سیاسی بودن" بر دوش دارید، اگر آزاده و آزادمنش هستید و برآستی دل در گرو میهن و ملت دارید از به در خدمت در آمدن بیگانگان و جنایتکاران داخلی، خود را آزاد کنید و به گفتن حقایق و بیان شفاف خواسته های ملت که زیست در آزادی و استقلال است و آن اصولی بود که برای استقرارش مردم ایران در سال ۳۵۷ یک پارچه بپا خواستند، زبان بکشاید و بنویسید و در یک مبارزه همگانی و منسجم شرکت داشته باشید که اگر چنین کنید و پیگیر به انجام رساندن این خواسته با همت و همراهی ملت ایران بگردید، بی شک، نسل آزاد شده و نسلهای آینده، از شما بخاطر آزاد شدن و آزاد کردن نسلهای حال و آینده، قدردانی و به نیکی یاد خواهد نمود. بدین امید